

فساد در دولت یا دولت فاسد؟

در این شب و روز بسیاری از وسایل ارتباط جمعی داخلی و خارجی از جمله خدمت گذاران دولت و حامیان بین المللی آن مصروف بحث و تحلیل پدیده فساد در دولت اند، در این بحث ها، ابراز نظرها و تحلیل ها، در مورد علل فساد کمتر موشگافی صورت گرفته و اگر گاهی علت فساد برجسته ساخته شده، آنهم ظاهری و صوری بوده، از علت العلل فساد کلمه ذکر نمیگردد، به نظر اینجانب علت اساسی و بنیادی فساد بودن دولت فعلی را غیر ملی بودن آن تشکیل میدهد، زیرا بنیاد دولت، نخست در بیرون از کشور، توسط دولتهای خارجی و در جهت تأمین منافع آنها گذاشته شد و بعداً قبای مضحک "دموکراسی و آزادی" به سبک امریکایی بر آن پوشانیده شده و با لقب اعزازی "دولت منتخب" نامگذاری و چون اعجوزه پیر و فرتوت با سرخاب "حقوق بشر" رنگین ساخته شده است.

بر مبنای همین علت، با گذشت هر روز، تشت رسوایی و افتضاح دولت بیشتر از پیش، با صدای بلند و بلندتر می افتد و از درون و بیرون دولت و در سطح ملی و بین المللی از مواضع گوناگون و حنجره های متفاوت در مورد فساد بودن آن، آواز های بلند میگردد.

دولت بدون در نظر داشت ماهیت آن (از لحاظ تاریخی) وسیله سرکوب است در دست طبقه حاکم، برای سرکوب و انقیاد طبقه مخالف. با در نظر داشت اصل فوق، در طول تاریخ کشورها از جمله در افغانستان انواع گوناگون دولتهای مستقل، نیمه مستقل و دول اجیر و دست نشانده حکمروایی نموده اند، اما اینکه دولت، دولت دست نشانده و آنهم دولت دست نشانده گروه از دولت های متعدد باشد، از لحظ تاریخی کاملاً بی مانند است.

افغانستان کشور اشغال شده است، هر قدر که عاملان اصلی اشغال (آمریکا به نمایندگی از سیستم جهانی سرمایه داری و صهیونیسم و نزدیک ترین متحد آن انگلستان) و دستگاههای اطلاعاتی و استخباراتی این کشور ها و دستگاههای بین المللی پرو پاگندی، تبلیغاتی و دروغ پراگنی وابسته به

آن، جمع عمال و نوکران داخلی و دست پرورده گان محلی آنان، این تعرض و اشغال را موجه، قانونی و آنرا در جهت تعمیل دموکراسی و آزادی بدانند و درمورد استقلال و آزادی عمل دولت نغمه سرایی کنند، روز تا روز در سطح بین المللی ماهیت امپریالیستی و تجاوزکارانه و در سطح ملی ماهیت اشغال گرانه، ضد افغانی و ضد اسلامی رژیم دست نشانده، رسوا و رسوا تر میگردد و مردم با پوست و گوشت خود، ذره ذره اسارت و تحقیر و به زنجیر کشیده گی و غلامی را در پنجال خونین داعیان "بشر دوستی"، "دموکراسی" و "آزادی" می بینند و می چشند.

پیامد گوناگون اشغال یا این فاجعه و مصیبت ملی (فساد اخلاقی و ترویج فحشا، پخش مرض خانه برانداز ایدز، تولید، پخش و ترویج، استعمال و قاچاق تریاک، هیرویین و چرس، دامن زدن به تعصبات قومی، سمتی وزبانی ومذهبی) که آگاهانه، هدفمند و پلان شده توسط دستگاههای اختصاصی دولت های اشغالگر و به همکاری و همیاری حلقه ها، سازمانها و عناصر مشخص داخلی پیشبرده میشود، ایجاب بحث و بررسی جداگانه را مینماید، در این بخش صرف در مورد بخش کوچک پیامد این اشغال یعنی فساد اداری و آن هم فساد، در تمام سطوح دولت و خاصتا در سطوح بالایی آن پرداخته میشود.

باید گفت که بین **فساد در دولت و دولت فاسد** فرق کلی وجود دارد، زیرا فساد اداری تقریباً دامنگیر تمام دولت های افغانستان بوده است، و با این تفاوت که وسعت و اندازه این فساد بعضاً بیشتر و بعضاً کم و کمتر بوده، بعض دولت ها در مبارزه با فساد از اغماض و چشم پوشی کار گرفته، و درسالهای مشخص با وجود شرایط دشوار جنگی، مبارزه پیگیر و دامنه دار بر علیه آن صورت گرفته است. اما دولت فاسد مشخصه تمام دولت های دست نشانده و غیر ملی است، زیرا صرف این چنین دولت و ارکان و اجزای آن میتواند، خواست ها و منافع اشغال گران را تأمین و برآورده سازد و بر مبنای همین اصل، از نخستین روز تهداب گذاری دولت حاکم (کنفرانس بن)، تا حال تقرر، انتصاب و انتخاب؟! در تمام مقامات و ارکان دولت (ریاست جمهوری، حکومت با تمام طول و عرض آن، قوه قضاییه و مقننه، واحدهای اداری ولایات و حتی ولسوالی ها) بر **اساس ضد و بند های استخباراتی، وابستگی های تنظیمی و معامله گری، مناسبات قومی، سمتی، فامیلی و ده ها ضد و بند دیگر، و بیدون رعایت اصل تخصص، لیاقت،**

استعداد، سابقه کار، و بیدون در نظر داشت اصل تقوا و وطنپرستی صورت گرفته، و هزاران هزار کادر مستعد و متعهد به حیل گوناگون از ساحه کار در دولت دور گردیده و یا در ساحات غیر مؤثر مجبور به امرار معیشت گردیده اند.

پیامد قانونمند این گونه مقرری ها، گروه و قشر فاسد از حکم روایان متکبر، مغرور، جاهل، از خود راضی و وا بسته به یکدیگر، یا آقا بلی ها و نوکران و خادمان شخصی اولیای امور را بار آورده که **مقام دولتی و دارایی عامه را به حیث ملکیت شخصی، فامیلی و یا تنظیمی دانسته و قدرت و صلاحیت قانون را مانند زور بازوی فردی خویش بکار برده و مانند "قوماندانان بلا رقیب جهادی" از آن در جهت تامین منافع شخصی، فامیلی، قومی، سمتی، تنظیمی و حواریون و ولینعمتان (خارجی و یا داخلی) خویش استفاده میکنند.** و در نتیجه سیستم سراپا ملوث و آلوده دولتی را در وجود اجنتان، جنایتکاران، چپاولگران، قاچاقبران و زور گویان بر هست و بود مردم ما مسلط ساخته اند.

از لحاظ خصوصیات و اخلاق افغانی، رشوت گیرنده، مختلس و سوءاستفاده کننده از بیت المال، معامله گر و دارنده ضد و بند با قوای مهاجم، نوکر و خدمتگذار نیروهای اشغالگر با وجود داشتن آرگاه و بارگاه و حلقه محدود و معین از طفیلی های همسان، در جامعه نه تنها از احترام، وقار و عزت اجتماعی برخوردار نبوده، بلکه همیشه به نظر نفرت و حقارت دیده شده و لکه ننگ آن حتی دامنگیر اولاد ها و نواسه های آنان میگردد. اما امروز با آمدن "دموکراسی" و "آزادی" مطابق نورمهای امریکایی، آهسته آهسته و همزمان با تضعیف نمودن و محو ساختن ده ها و صدها اصل زرین و مثبت پذیرفته شده اجتماعی، افغانی و اسلامی؛ رشوت، اختلاس و سوءاستفاده از صلاحیت و قدرت، فروش ده ها و صدها تصدی دولتی به قیمت ناچیز به اعضای فامیل و "شرکا" و متحدین و مؤتلفین جهادی و تکنوکرات ها، غصب صد ها هزار هکتار زمین ملکیت دولت و یا خرید و فروش آن به قیمت گاه، غارت ملیاردها دالر کمک جامعه جهانی و قروض کمرشکن موسسات مالی بین المللی، سهمیم بودن در شبکه وسیع تولید و قاچاق مواد مخدر و در قدم دوم خدمت و نوکری به نیروهای اشغالگر، به اصول و پرنسیپ های عادی و قبول شده سیستم دولتمداری مبدل شده و در پخش، اشاعه و تبلیغ این شیوه ها از تمام امکانات استفاده میگردد.

مختلس، راشی، غاصب و چپاولگر دارایی عامه و خادمان و چاکران "قوای تامین کننده دموکراسی و آزادی" امروز نه تنها از اعتبار و آبرو برخوردار گردیده بلکه تلاش صورت میگیرد تا آنانرا به شخصیت های

گویا "ملی" و بر خوردار از "حمایت مردم" و قشر خاص با داشتن امکانات قوی اقتصادی مبدل نمایند تا در آینده از آنها به حیث ستون اساسی اعتماد و اتکای اشغال گران و تداوم اشغال و بهره برداری از منابع سر شار طبیعی وطن استفاده گردد، و وطن را به پایگاه نظامی و تخته خیز در منطقه مبدل نمایند.

اما دولت فاسد به آن مرحله از رسوایی و افتضاح رسیده است، که حتی شاملین و عاملین اصلی فساد بیشتر ازین نمیتوانند آنرا کتمان نمایند و برای فریب و اغوای قربانیان فساد که اکثریت مطلق هموطنان ما را تشکیل میدهند، گاه گاه صدا های را بلند میکنند، که در این جا روی چند مورد محدود، مکث مختصر صورت میگیرد:

کرزی رئیس "دولت منتخب" برای اغفال مردم، ماسک تقوا را به رخ کشیده، اما شرکای دولت را در جریان کنفرانس ملی شورای انکشافی روستاهای افغانستان چنین افشا ساخت: «... دولتمردان افغانستان در خانه های مجلل زندگی می کنند و کسی حساب پول آنها را ندارد، در حالی که مردم همچنان فقیر هستند و هیچ کسی هم توجهی به آنها ندارد». (بی بی سی ۱۳ نوامبر ۲۰۰۷)

اما آقای کرزی که بارها و بارها از موجودیت جواسیس، قاچاقبران، غارتگران، رشوتخوران و مفسدین در دولت تحت امرش سخن گفته، اما حتی یکبار نخواست، نتوانسته و یا اجازه نداشته تا اسم از آنها ببرد، چه رسد به اینکه، آنان را به محاکمه بکشاند. همچنان ده ها مرتبه در وسایل ارتباط جمعی در مورد اشتراک اعضای فامیل موصوف و شرکای قدرتش در قاچاق مواد مخدر و چور دارایی های عامه مطالب نشر شده، اما هرگز جواب از رئیس جمهور شنیده نشده است.

کرزی در جهت برائت حامیان و ولینعمتان خارجی خویش افزود که: «جامعه جهانی به افغانستان آمد تا تغییری در زندگی مردم این کشور ایجاد کند، اما تنها دولتمردان از این حضور سود بردند و پول، مقام، آسایش و قدرت نصیب آنها شد». این اعتراف جالب است، اما مگر موصوف از شراکت موسسات و سازمان های خارجی در غارت ثروتهای ملی، کمک های جامعه بین المللی و قاچاق مواد مخدر آگاهی ندارد؟!

اشرف غنی احمدزی قبلاً عضو هیأت رئیسه بانک جهانی، دو سال وزیر مالیه در دولت دست نشانده و ی کی از مهره های کلیدی، اصلی و قابل اعتماد امریکا و با خبر از تمام رمز و راز دولت، نه تنها بر

فساد پلان شده تأیید میکند، بلکه بخش از ریشه های اصلی فساد در دولت را برملا و طی صحبت با نشریه نشنل پست که هفته نامه کابل آنرا بنشر سپرده، چنین افشا میکند: «فساد اداری به يك مشکل عمده افغانستان مبدل شده است. این به مانند سرطاني است که در همه وجود دولت انتشار یافته است. هیچ يك از مقامات عالی رتبه به جرم فساد اداری به محاکمه گشاده نشده و زندانی نشده است.»

وی در مورد اینکه سران رژیم حاکم صرف در صدد کسب و تأمین منافع فردی و شخصی خویش اند، چنین میگوید: **آنها تنها به اهداف شخصی خود در مقابل منافع ملی دل بسته و این حالت باعث به وجود آمدن فساد و نتیجاً یأس و ناامیدی شده است.**

آنطور که قبلاً تذکار رفت، در فساد حاکم بر دولت نه تنها کارمندان داخلی آغشته اند بلکه تصمیم گیرندگان اصلی یا مشاوران و متخصصین خارجی نیز سهیم بوده و اکثراً در تفاهم و ضد و بند با یکدیگر به غارت کمک های جامعه بین المللی مصروف اند، اشرف غنی در مورد میگوید: **ارگان های مربوط به ملل متحد در امور مربوطه شان از شفافیت لازم برخوردار نبوده و از ارائه حسابدهی در مورد فعالیت های شان سر باز می زنند.** و در بخش دیگر مصاحبه، در مورد شریک بودن خارجی های دارنده صلاحیت، در فساد چنین توضیح میدهد: **کمک های تخنیکي بين المللي يك ضایعة بزرگ محسوب می گردد. صدها میلیون دالر که به منظور ارائه کمک های تخنیکي تخصیص داده شده است باعث افزایش فساد اداری و ضعف اداره دولتي شده است. او قراردادی های امریکایی را مثال زده و می گوید که به خاطر اجرای محاسبه های ساده، آنان روزانه مبلغ ۱۵۰۰ دالر دریافت می کنند؛ در حالیکه می توان کادری محلی را ظرف شش ماه برای ارائه خدمات بالمثل آموزش داد و از ضیاع منابع جلوگیری نمود.**

وی در مورد نقش منفی شعبات ملل متحد چنین میگوید: «شش ارگان ملل متحد حتا از افشای این نتایج برای هیأت حقیقت یاب خود شان ابا ورزیده اند.» «این ارگان ها ارتباط دوامدار نداشته و شامل پروگرام های هم آهنگ سازمان ملل متحد نمی باشند. در افغانستان هر ارگان دارای اولویت های مجزا بوده و ما نمی دانیم آنان تا چه اندازه صلاحیت دارند، به خاطري که آنان حسابده نیستند.»

وی در جای دیگر علاوه میکند: «برعلاوه، ارگان های مربوط ملل متحد و انجوهای خارجی، تقوا و پرهیزگاری لازم افراد بخش خدمات اجتماعی را که برای موفقیت خیلی ضرورت است، کاملاً نابود ساخته است»

وی علت ترویج فساد پلان شده و هدفمند را چنین بیان میکند:

'در سال ۲۰۰۱ ما به تعداد ۲۴۰۰۰۰ کارمند ملکی داشتیم. آنان کاملاً آماده بودند در مقابل معاش ۵۰ دالر در يك ماه خدمت نمایند؛ اما در سال ۲۰۰۴ همه کارمندان با استعداد ترك وظیفه و به راننده گي در دفاتر ملل متحد، بانک جهانی و یا انجوها پرداختند. يك راننده در دفاتر ملل متحد ماهانه ۴۰۰ دالر دریافت مي کند در حالیکه يك استاد دانشگاه تنها ۵۰ دالر معاش دارد. در نتیجه ۶۰ هزار کارمند ملکی ترك وظیفه نمودند.» (هفته نامه کابل اول جوزا ۱۳۸۷)

در تمام سواستفاده ها توسط مقامات بالایی دولت، بصورت مستقیم و غیر مستقیم نمایندگان کشورهای عمده که بنام مشاور و متخصص در پهلوی ریس جمهور، و آپارات آن وزیران و ريسان، قاضیان و وکیلان قرار دارند شریک و ذینفع اند. چنانچه سپینتا وزیر خارجه رژیم بعد از کنفرانس پاریس طی مصاحبه با دویچ وله چنین میگوید:

«برخي از کشور هاي که در افغانستان با ما در بازسازي کمک میکنند، با کمال تأسف با جنایتکاران و غاصبان روابط تنگاتنگ دارند، و از آنها به عنوان سرباز، به عنوان جنگجو و به عنوان بهره دار و محافظ استفاده میکنند. بعضي از کشور هاي که روابط اتنيکي را مورد استفاده قرار میدهند تا از جنایتکاران حمایت بکنند، و این باعث میشود که یک نوع فرهنگ معافیت در افغانستان پایدار و محکم بماند» (دویچ وله ۱۳ جون ۲۰۰۸)

در بعض موارد حتی حامیان بین المللی رژیم و موسسات که در غارت کمک های جهانی بصورت مستقیم و غیر مستقیم ذیدخل اند، صداهای آي دزد، آي دزد را بلند میکنند، بیدون اینکه علل اصلی و اساسی فساد در دولت فاسد را که بدست آنها ساخته شده برملا سازند، طور مثال بانک جهانی که یکی از وسیله های تعمیل و تامین منافع امریکا در جهان است و همین اکنون صدها کارشناس و مزد بگیر آن در سطوح مختلف دولت حکمروایی میکنند در طی گذارش به کنفرانس جهانی پاریس در مورد افغانستان چنین تذکر میدهد: **« مشاوران و رایزنان بین المللی در افغانستان اقتدار دولت این کشور را به طور جدی تضعیف می کنند»** (بی بی سی ۱۰ جون ۲۰۰۸)

در خاتمه:

آن کوتاه فکران و این خام اندیشان که دراویل تعرض واشغال مدعی بودند که افغانستان در مدت کوتاه از جاپان پیشی خواهد گرفت و یا اقلأً به عشرت کده چون دبی مبدل خواهد شد، امروز باید

اعتراف نمایند که کشور ما را "آقای جهان" به "فساد کده" چون فلیپین و تایلند نزدیکتر ساخته است.

قلم بدستان! این آغاز و مقدمه غارت و شروع تباهی کشور و بربادی مردم است، دشمنان تاریخی وطن و مردم، دست در دست هم در صدد عملی کردن ده ها و صدها پلان بزرگ و بزرگتر تباه کن است. مصیبت نازل شده بر وطن ما، قوم و تبار، سمت و زبان و مذهب و طریقه را تمیز نمی دهد، اگر امروز شرق و جنوب کشور را به آتش کشیده اند، برای فردا پلان دارند تا شمال و غرب وطن ما را به مصیبت بزرگتری مبتلا نمایند.

وطن دوستان! دین میهنی و وطنپرستانه تان را در افشای مقاصد و پلانهای دشمنان مشترک این خانه که امروز بنام افغانستان یاد میگردد، ایفا نمایید. نگذارید عده مزدور و خود فروخته، با کشیدن دیوارهای مصنوعی بین مردم و دامن زدن به تعصبات و دشمنی های قومی، سمتی، زبانی و مذهبی، آب را به آسیاب دشمن مشترک وطن و مردم ما بریزند، قلم تان را به حیث خنجر بر علیه دشمن مشترک وطن و مردم بکاربرید.

یقیناً تاریخ و نسلهای آینده، درمورد هر حرف، هر کلمه و هر جمله که امروز از زبان هموطن باسواد بیرون می آید و یا از قلم بدست بروی کاغذ ثبت میگردد، قضاوت خواهد کرد و روی، نفاق افگنان، خادمان و چاکران اجنبی و دشمنان وطن واحد و مشترک ما را سیاه خواهد ساخت.

20062008

www.ayenda.org